سرخط

■ **ایرنا:** علی زینی‌وند معاون سیاسی وزیر کشور گفت: مشارکت مردم در انتخابات تنها رأی دادن نیست؛ یک عمل اجتماعی، فرهنگی و امنیتی و تضمین‌کننده انسجام، امنیت و استقلال ملی ما است. برگزاری الکترونیکی و نظام تناسبی انتخابات، فرصتی برای حضور گسترده نخبگان و اقشار مختلف در شوراها فراهم کرده است.

■ **فارس:** ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: اجلاس شرم الشیخ، یک سیرک و نمایش سیاسی مضحک برای نجات رژیم صهیونیستی بود، عدم حضور ایران در این اجلاس، بهترین و هوشمندانه‌ترین اقدام بود.

یادداشت

حمیدرضا شاه‌نظری

بازی ظریف با منافع ملی

«اسنپ‌بک»؛ دو کلمه ساده است که این روزها به جنجالی در رسانه‌ها و محافل سیاسی ایران تبدیل شده است، جنجالی که نه فقط اختلافات سیاسی را برجسته می‌کند، بلکه پرده از این واقعیت برمی‌دارد که جریانات غربگرا و فرصت‌طلبان داخلی در دامن زدن به تنش‌ها و ایجاد شکاف‌های عمیق‌تر در فضای سیاسی کشور در پی اهداف باندی خود و نه منافع ملی هستند. در این میان، پس از نهایی شدن اسنپ‌بک، کشمکش دیپلماتیک بین محمدجواد ظریف و سرگئی لاوروف حول ریشه‌ها و نحوه گنجانده شدن این مکانیزم حساس و ضدملی در برجام، بیش از آنکه یک چالش فنی یا سیاسی باشد، به صحنه‌ای بدل شده که در آن تضاد منافع و تناقض‌های رفتاری به نمایش گذاشته می‌شود.

بعد از اینکه اخیراً تروئیکای اروپایی – بریتانیا، فرانسه و آلمان – با استناد به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، اسنپ‌بک را فعال کردند و تحریم‌های سازمان ملل را بر ایران بازگرداندند، لاوروف در مصاحبه‌ای، اسنپ‌بک را یک «تله قانونی» خواند که ایران در آن افتاده و مستقیماً محمدجواد ظریف را مقصر آن دانست:«این بند در مراحل نهایی مذاکرات میان ظریف و جان کری توافق شد و وقتی روسیه دید که ایران آن را پذیرفته، مخالفتی نکرد، اما از پذیرش چنین فرمول غیرمتعارفی توسط ایران تعجب کرده است!» در واکنش به اظهارات لاوروف، ظریف که سال‌ها پیش «اسنپ‌بک» را ابزاری کم‌اثر و ناکارآمد و غیرجدی می‌دانست، حالا در اظهاراتی جدید و متناقض ادعا می‌کند که این مکانیزم به پیشنهاد لاوروف به متن برجام افزوده شده است! ظریف، که همیشه اسنپ‌بک را ضعیف و غیرقابل استفاده توسط امریکا می‌دانست، در پاسخ به لاوروف گفته است: «نه تنها اسنپ‌بک برای روزهای آخر نبود، بلکه به گفت‌وگوهای من و کری محدود نمی‌شد. لاوروف و فرانسوی‌ها پیشنهادی بد درباره قطعنامه‌های گذشته دادند که با تلاش زیاد کنار گذاشتیم.» او حتی ادعا کرد که شب توافق برجام، لاوروف دستور داشت مانع نهایی شدن آن شود!

ظریف در ۱۳۹۹، در مصاحبه‌ای تأکید کرد که «اسنپ‌بکی در قطعنامه وجود ندارد» و آن را «کلک تبلیغاتی امریکا» می‌دانست. حتی در حاشیه جلسه هیئت دولت در ۱۳۹۸، گفت مکانیسم ماشه قابل اجرا نیست. جالب اینکه برخلاف سخنان این روزهای ظریف، افراد نزدیک به وی مانند علی‌اکبر صالحی، قبلاً گفته‌اند که روسیه مخالف اسنپ‌بک بود و لاوروف هشدار داد که امریکا با این بند، حق وتوی روسیه و چین را می‌گیرد. وی گفته است که روس‌ها تلاش کردند اسنپ‌بک را حذف کنند، اما تیم ایرانی آن را پذیرفت!

این تضادها در روایت، نه تنها سردرگمی در نگاه به برجام و ابعاد آن ایجاد می‌کند، بلکه بستر مناسبی را برای جریانات غربگرا فراهم آورده تا با بهره‌برداری از این اختلافات، منافع سیاسی خود را دنبال کنند و فضای کشور را بیش از پیش ملتهب سازند. در این جنجال، آنچه مسلم است فارغ از تناقضات موجود در مواضع ظریف در مورد اسنپ‌بک، گنجاندن آن در برجام، کار هر کسی باشد این محمدجواد ظریف بود که در نهایت آن را پذیرفت و با کم اهمیت جلوه دادن آن، سعی کرد منتقدان را ساکت کند.

با این حال، در شرایطی که کشور بیش از همیشه نیاز به آرامش و اتحاد دارد و دشمنان در کمین نشسته‌اند تا شرایط را برای برنامه‌های خصمانه خود مناسب ببینند، طرح این مباحث کمک چندانی به کشور نمی‌کند و طرح و دامن زدن به آن‌ها، صرفاً باعث می‌شود جریانات غربگرا و فرصت‌طلبان سیاسی در داخل و خارج و دشمنان در کمین نشسته، همچون کرکس‌هایی بر لاشه جنجال فرود آیند و با بزرگ‌نمایی آن، علاوه بر دامن زدن به اختلافات و تلخ کردن کام مردم به تضعیف اتحاد کنونی تهران- مسکو منجر شوند. رسانه‌های غربی و لیبرال‌های داخلی، این دعوا را بهانه‌ای برای حمله به کشورهای حامی ایران در شرایط کنونی قرار داده و همزمان، فرصت‌طلبان داخلی از آب گل‌آلود ماهی گرفته و با فرافکنی و تسویه‌حساب‌های شخصی، انسجام ملی را هدف قرار دهند. این جریانات، اختلافات را دامن می‌زنند تا به خیال خود از شکاف‌ها سود ببرند، غافل از اینکه این بازی، تنها دشمنان ایران را شاد می‌کند و در نهایت در پازل آنان قرار دارد.

واقعیت آن است که در شرایط کنونی، هنگامی که جمهوری اسلامی در برابر فشارهای همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و امنیتی قرار دارد، چنین اختلافات فرعی و مجادلات رسانه‌ای بیشتر از آنکه به نفع کشور باشد، فرصت را به دشمنان و مغرضان داخلی و خارجی می‌دهد. ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند انسجام ملی است؛ انسجامی که بتواند صدای واحدی را در برابر تحریم‌ها و چالش‌های دیپلماتیک به جهان ارائه کند. تفاوت در روایت‌ها و تناقض در مواضع نباید باعث شود اتحاد ملی فدای منافع گروهی و جناحی شود. تجربه نشان داده است که موفقیت ایران در صحنه بین‌المللی، ریشه در همدلی و انسجام داخلی دارد. باید گفت، ایران امروز بیش از هر زمان به کنار گذاشتن اختلافات غیرضروری و تمرکز بر راهکارهای عملی و واقع‌بینانه نیازمند است؛ راهکارهایی که بتواند کشور را از این شرایط دشوار عبور دهد و منافع بلندمدت ملت ایران را تضمین کند. نقد گذشته‌ها می‌تواند مفید باشد، اما مهم‌تر از آن، چشم دوختن به آینده‌ای است که در آن وحدت و همگرایی، کلید پیروزی است.

این جنجال و هر جنجال بی‌حاصل در شرایط کنونی، بیش از آنکه حقیقت را روشن کند، آب به آسیاب دشمنان می‌ریزد و مخاطرات پیش روی کشور را دوچندان می‌کند. ملت ایران و جمهوری اسلامی، در میانه فشار حداکثری غرب و شرایط تهدیدآمیز کنونی و نیاز به حفظ پیوند و تعمیق روابط با روسیه و چین، بیش از همیشه به انسجام ملی نیاز دارند.

به جای جنگ لفظی با متحدان و جنجال سیاسی داخلی بی‌حاصل و فرصت‌طلبانه، باید بر دیپلماسی هوشمندانه و جامع با همه کشورهای غیرمتخاصم تمرکز کرد؛ به خنثی‌سازی اسنپ‌بک از طریق توسعه روابط با کشورهای دیگر به خصوص با اعضای شانگهای و بریکس پرداخت و با تقویت موقعیت هسته‌ای و نظامی و احیا و شکوفایی اقتصاد زیر سایه تحریم‌ها به مقابله به برنامه دشمنان رفت. اتحاد داخلی، نه تنها کلید پیروزی است، بلکه سپری در برابر توطئه‌های خارجی است و امروز بیش از همیشه به آن نیازمندیم. ایران قوی، تنها با ایرانیان متحد و هوشیار ممکن است و هر جریان و شخصی که عملکردش در برابر این اصل حیاتی امروزی ایران باشد یا عامل دشمن است یا جاهلی که فقط منافع خود را می‌بیند غافل از اینکه اگر ایرانی نباشد منافعی دیگر وجود ندارد که بتوان برای تصاحب آن، بازی سیاسی انجام داد!

خبریک

مکانیسم ماشه را دیروز انکار کرد، امروز توجیه!

«اسنپ بک نه در برجام هست و نه در قطعنامه ۲۲۳۱. کلمه اسنپ بک را امریکایی‌ها درست کردند، برای اینکه بگویند ما هر وقت اراده کنیم می‌توانیم قطعنامه‌ها (شورای امنیت) را برگردانیم»، «آخر مذاکرات برجام کارشناس اتحادیه اروپا- ربطی به امریکا ندارد- به یکی از همکاران بسیار خوب من که مذاکره‌کننده بسیار بسیار قوی‌ای هم هست و من به خاطر زحماتی که کشیده، مدیون ایشان هستم، گفته بود که اگر ما در متن (برجام) بنویسیم «لغو»... این عبارت در روز آخر که ما همگی گرفتار هزار کار دیگری بودیم. پیشنهاد داده بود... این پیشنهاد را کارشناس مالی اتحادیه اروپا، آقایی بود به اسم فرانچسکو. به این همکار خوب من گفته بود و ایشان اجتهاد کرده بود و گفته بود اشکال ندارد. نه به من خبر داده بود و نه به آقای دکتر عراقچی، نه به دکتر تخت روانچی. این بعد از آنی است که متن‌ها را خوانده بودیم و تأیید کرده بودیم.... روز آخر این اتفاق افتاد و فرصت نکردند به من بگویند.»

این دو روایت، شرحی از ماجرای برجام است که محمد جواد ظریف وزیر وقت خارجه، چندی پیش در گفت و گویی تفصیلی با رسانه «آوش» مطرح کرده است. در روایت اول وزیر امور خارجه از اساس عبارت «اسنپ بک» را انکار می‌کند و بعد با کمی اغماض می‌گوید، ساخته و پرداخته امریکایی‌هاست تا هر وقت اراده کردند، به این بهانه تحریم‌ها را برگردانند و روایت دوم درباره عبارت «لغو» تحریم‌هاست که اساساً این عبارت هم از سوی ظریف انکار می‌شد و بعدها پذیرفته شد که بدون اطلاع او در برجام گنجانده شده است بی‌آنکه به او اطلاع بدهند! آن هم پس از آنکه متن برجام نهایی شده و مورد تأیید همه قرار گرفته بود.

اینکه چرا این مسائل دوباره خبر ساز شده، یکی به خاطر این است که برخلاف تصور دکتر ظریف و دوستانش، اسنپ بک یا همان مکانیسم ماشه با درخواست تروئیکای اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) از ششم مهر با حمایت و پشتیبانی امریکا فعال شد و برجامی که تاریخ انقضای آن امروز ۲۶ مهرماه بود و می‌بایست، پس از ۱۰ سال فعالیت‌های هسته‌ای ایران روند عادی خود را دنبال کند، بار دیگر با مانع سیاسی کشورهای غربی مواجه شد و در حالی که جمهوری اسلامی ایران به همه تعهدات برجامی خود عمل کرده بود، تحریم‌های ظالمانه با تصمیم امریکا و غرب و تصویب شورای امنیت بازگردانده شد. نکته دیگر این خبرساز شدن، اظهار نظر هفته پیش سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه وقت روسیه است که ادعا کرده مکانیسم ماشه یک «دام حقوقی» بود که در توافق ظریف با جان کری، وزیر خارجه وقت امریکا به برجام راه یافت. او گفته چون ایران مکانیسم ماشه را پذیرفت روسیه هم دلیلی برای مخالفت نداشت.

■ **روایت لاوروف از چگونگی شکل‌گیری اسنپ بک**

لاوروف هفته گذشته در حاشیه نشست عرب- روسیه پیرامون اسنپ بک و چگونگی گنجاندن آن در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گفت: «این بند در واقع در مرحله نهایی مذاکرات مستقیماً میان محمد جواد ظریف و جان کری مورد توافق قرار گرفته بود. صادقانه بگویم، ما شگفت‌زده شدیم. اما اگر شرکای ایرانی ما چنین سازوکاری را پذیرفتند که صراحتاً باید گفت یک تله حقوقی بود، ما دلیلی برای اعتراض نداشتیم.»

سخنان لاوروف از آن رو حائز اهمیت است که دکتر علی‌اکبر صالحی هفتم شهریور سال گذشته و پیش از طرح مکانیسم ماشه در شورای امنیت، به هشدار روس‌ها در خصوص تله اسنپ بک اشاره کرده بود: «روسیه همان زمان که "مکانیسم ماشه" در برجام طراحی شد، متوجه شد که این بند به‌طور زیرکانه‌ای حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت را دور می‌زند و هیچ کشوری، حتی مسکو و پکن، توان متوقف کردن آن را ندارد. هشدار آن روز لاوروف امروز با فعال‌شدن اسنپ‌بک علیه ایران عینیت یافته است.»

■ **پاسخ ظریف به ادعای لاوروف**

ادعای اخیر لاوروف اما باعث شکل‌گیری یک جدال کلامی در فضای رسانه میان ظریف و لاوروف شد. وزیر خارجه وقت کشورمان روز پنج‌شنبه در گردهمایی «یاران و دانش‌آموختگان دانشگاه تبریز و علوم پزشکی درباره مردم و امنیت ملی» در پاسخ به سؤالات متعدد حاضران به برخی ادعاهای سرگئی لاوروف واکنش نشان داد و با بیان اینکه نه تنها اسنپ بک برای روزهای آخر مذاکرات نبود، بلکه اختصاص به گفت‌وگوهای بین بنده و جان کری وزیر خارجه امریکا نیز نداشت، افزود: آقای لاوروف و فرانسوی‌ها پیشنهادی در مورد وضعیت قطعنامه‌های گذشته شورای امنیت علیه ایران دادند که خیلی بد بود و ما تلاش زیادی کردیم تا آن پیشنهاد را کنار بگذاریم. ظریف با تأکید بر اینکه لاوروف درباره اسنپ‌بک خلاف می‌گوید، گفت: در کتاب راز سر به مهر اسنادش وجود دارد که امریکا و پنج قدرت دیگر می‌گویند ابزار ما شورای امنیت است و همین آقای لاوروف در جلسه تصمیم‌گیری می‌گفت من اجازه نمی‌دهم حق وتوی ما را از ما بگیرید. حالا می‌گوید ظریف رفته این کار را کرده، البته من تا الان ملاحظه کردم و چیزی نگفتم. رئیس تیم مذاکراتی ایران در برجام در ادامه با بیان اینکه من همچنان اعتقاد به روابط راهبردی با روسیه و چین دارم اما اینها به خاطر ما کاری نمی‌کنند. روس‌ها عریان سیاست خود را بیان می‌کنند. روسیه کشور مهمی در همسایگی ماست ولی دو خط قرمز دارد؛ اول اینکه ایران نباید هیچ وقت با دنیا روابط آرام داشته باشد و دوم اینکه نباید با دنیا به درگیری برسد. برای همین روسیه طرفدار توافق موقت ژنو بود چون استخوان لای زخم نگه می‌داشت و مانع درگیری هم می‌شد. این ادعا، علاوه بر اینکه استقلال کشور را زیر سؤال می‌برد، تصمیمات کلان ملی را نیز تلویحاً تابعی از نظرات روسیه تحلیل می‌کند که بسیار خطرناک است. و ظریف برای آن باید به دستگاه‌های مسئول پاسخ دهد.

■ **ذبح منافع ملی پای دعواهای سیاسی**

ظریف اما بیش از هر کسی به این نکته واقف است که در روابط بین کشورها آنچه موضوعیت دارد، منافع ملی است. برای همین است که او مرتب در اظهارنظرهای خود می‌گوید که در برجام هم دو طرف به هم اعتماد نداشتند. بنابراین اینکه در مناقشه ظریف و لاوروف کدام یک راست می‌گویند و روایت چه کسی به حقیقت نزدیک‌تر است، موضوع این گزارش نیست. بلکه باید به آثار و عواقب برجام و عواید آن برای کشور رجوع کرد. هم از این رو باید به گذشته ادعایی درباره برجام رجوع کرد که بسیاری از آنها در گذر زمان خلافش ثابت شده است. اسنپ بک یکی از همین ادعاهاست که از اساس وجود آن در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ انکار شد. آبان ماه سال گذشته و در حالی که یک‌سال به بند غروب برجام و تمدید لغو تحریم‌های شش گانه شورای امنیت باقی مانده بود، اروپا دوباره بحث اسنپ بک را مطرح کرد. در همان روزها، سید عباس عراقچی که در هنگام مذاکرات برجام جزو تیم مذاکره کننده بود، در سخنانی کاملاً مخالف حرف‌های ظریف، به وجود مکانیسم ماشه در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اذعان کرد. بنابراین اصرار لاوروف و انکار ظریف در اصل ماجرا هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند و این وسط منافع ملی است که مانند گوشت قربانی، میان غربگرایان و روسوفیل‌ها دست به دست می‌شود.

■ **پروژه بگیران مشغول کارند**

در این میان گویی بازار پروژه‌بگیرها بیش از هر زمانی داغ شده تا به زعم خود بر مناسبات داخلی تأثیر بگذارند یا دست‌کم افکار عمومی را به سمتی که خود می‌خواهند، هدایت کنند. یکی از این مقاطعه‌کارها حسام‌الدین آشنا چهره مرموز امنیتی دولت روحانی است. همان کسی که با افشای فایل صوتی گفت و گوی ظریف با سعیدلیلاز از سمت خود برکنار شد. او روز گذشته در توییتی در حمایت از روحانی و ظریف خطاب به منتقدان داخلی آنها نوشت: «زبان روحانی و ظریف را باز نکنید، ضرر می‌کنید!»

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک دولت‌های روحانی، در شرایطی که رسوایی ماشه نقل محافل شده و فراتر از آن از خیانت‌های دهه ۹۰ صحبت می‌شود، وکیل مدافع این دو شده و زبان به تهدید منتقدانشان گشوده است. وقتی کسانی که دهه سوخته ۹۰ را برای ملت به ارمغان آوردند و از همان ابتدا تا به امروز در هیچ کجا بازخواست نشدند، حالا به عناصر وابسته به خود خط می‌دهند که این‌گونه زبان به تهدید مطالبه‌گران حقوق مردم باز کنند. آن هم روحانی و ظریفی که از ابتدا تنها چیزی که برایشان فاقد اهمیت بود اخلاق و حفظ انسجام در جامعه بود؛ از عبارات تند در سال‌های ابتدایی توافق برجام که روحانی علیه منتقدان استفاده می‌کرد تا فایل صوتی دوقطبی‌ساز میدان- دیپلماسی ظریف و استعفاهای بدموقع و مشکوک.

آشنا البته خوب می‌داند که از زبان هرز همه ضرر می‌کنند، اما آنکه بیشتر از همه ضرر می‌کند، خود هرزه‌باف است. بنابراین حاشیه‌سازی و ناسزاگویی به این و آن، هرگز فضاحت دهه ۹۰ را نمی‌پوشاند، بلکه فرصت می‌دهد تا بانیان آن خسران را بیشتر به ملت بنمایاند و رسوا کند.

دفاعی

معاون هماهنگ کننده ارتش:

امنیت پایدار در سایه قدرت و بازدارندگی حاصل می‌شود

رئیس ستاد و معاون هماهنگ کننده ارتش دانشگاه افسری امام علی(ع) را مهد پرورش افسران مؤمن، انقلابی و ولایتمدار خواند و گفت: صلح و امنیت پایدار در سایه قدرت، آمادگی و بازدارندگی حاصل می‌شود.

امیر دریادار حبیب‌الله سیاری در جمع دانشجویان دانشگاه افسری امام علی(ع) با تجلیل از مقام شامخ شهدا و یادآوری رشادت‌های آنان در دفاع مقدس تصریح کرد: شهدای عزیز ارتش با نثار جان خویش، از تمامیت ارضی، استقلال و عزت ایران اسلامی دفاع کردند و نگذاشتند حتی ذره‌ای از خاک میهن در اختیار دشمن قرار گیرد. امروز شما دانشجویان دانشگاه افسری، ادامه‌دهندگان راه پرافتخار همان شهیدان هستید و باید آماده باشید تا گام در مسیر آنان نهاده و با ایمان، شجاعت و اخلاص از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی صیانت کنید.

وی با استناد به فرمایش گرانقدر امیرالمؤمنین علی (ع) مبنی بر اینکه «اگر خواهان صلحی، خود را برای جنگ آماده کن»، اظهار کرد: این فرمایش حکیمانه نشان می‌دهد که صلح و امنیت پایدار، تنها در سایه قدرت، آمادگی و بازدارندگی حاصل می‌شود. جنگ، جایی رخ می‌دهد که آمادگی وجود نداشته باشد؛ از این‌رو تا زمانی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از نظر آموزش، تجهیزات و روحیه در سطح مطلوبی از آمادگی قرار داشته باشند، دشمن هرگز توان تهدید و تعرض نخواهد داشت و در صورت بروز هرگونه تقابل، پیروزی از آنِ نیروهای آماده و مؤمن خواهد بود. معاون هماهنگ کننده ارتش در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مأموریت اصلی ارتش جمهوری اسلامی ایران خاطرنشان کرد: مأموریت ارتش در سه کلیدواژه اساسی خلاصه می‌شود؛ حفظ تمامیت ارضی، صیانت از استقلال و پاسداری از نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. این سه اصل بنیادین، جهت‌دهنده تمامی فعالیت‌ها، آموزش‌ها و برنامه‌های ارتش در تمام سطوح است و هر افسر مؤمن و انقلابی باید این اصول را سرلوحه خدمت خود قرار دهد.

دریادار سیاری افزود: ارتش جمهوری اسلامی ایران برای تحقق این مأموریت‌ها، در سه حوزه اساسی آموزش، تجهیزات و روحیه به‌صورت مستمر در حال ارتقا است. ارتقای سطح آموزش و دانش نظامی، نوسازی و به‌روزرسانی تجهیزات متناسب با تهدیدات روز، و حفظ و تقویت روحیه معنوی، ایمانی و انقلابی نیروها، سه محور مهم تضمین‌کننده اقتدار و بازدارندگی ارتش به شمار می‌رود.

ویژه

تمسخر دوباره نظامیان از دهان شایعه‌ساز ایزدی

فؤاد ایزدی، کارشناس ثابت برنامه‌های تلویزیونی برای بار چندم به تمسخر فرماندهان نظامی و عملکرد آنان در مقابل اسرائیل و امریکا پرداخت. او که قبلاً به برخی فرماندهان شهید در جنگ ۱۲ روزه کنایه‌هایی زده بود، اخیراً با لبخند تمسخرآمیز و گفتن این عبارت که «خبری هست امیدوارم درست نباشه اما گفته شده»، درباره این خبر می‌گوید: «قبل از حمله امریکایی‌ها به فردو و نطنز، آنها به طرف ایرانی گفته‌اند که ما حمله می‌کنیم و شما هم در پاسخ یک پایگاه امریکایی را بزنید. جالب اینکه به ما گفتن که بگوییم کدام پایگاه را هم می‌خواهیم بزنیم»!

اولاً تمسخر فرماندهان نظامی یعنی تمسخر کل کشور و ملت و نظام تصمیم‌گیری. ثانیاً باید به امثال این کارشناسانی که ناگهان از تخم درآمدند، گفت خبری را که خودت نمی‌دانی درست است یا نه، چرا مبنای یک تحلیل قرار می‌دهی؟! این الفبای فهم درست است که چنین کارشناسانی از آن بی‌بهره‌اند. ثانیاً اگر از منبع اصلی شنیده‌ای که امریکایی‌ها چنین حرفی به نظامیان یا سیاستمداران ما زده‌اند و ما هم دقیقاً گوش کرده‌ایم و مطابق آن عمل کرده‌ایم، باید بگویی که منبع تو کیست، چون ما می‌دانیم چنین کسی و منبعی وجود خارجی ندارد، و تو این چیزها را اگر نگوییم از خودت می‌سازی، از دوستانت که آنها می‌سازند دریافت می‌کنی.

اصولاً تصمیم‌گیری درباره اقدامات نظامی در یک شورا و با حضور و مشورت برخی یا تمامی اعضای شعام و در نهایت با تصویب ستاد کل و فرماندهی کل قوا گرفته می‌شود. بسیاری از شایعات و حرف‌هایی که «گفته می‌شود» ساخته و پرداخته ذهن‌های بیمار در فضای مجازی است. کسانی مثل ایزدی وقتی به این حرف‌های دروغ یا تحریف‌شده تمرکز می‌کنند، مسئله‌شان این است که چرا ما در این تصمیم‌گیری‌ها نیستیم و با آن روابط فامیلی و نسب، چرا انتصابی نداریم.

دستگاه‌های نظامی و قضایی باید از او بخواهند منبع این خبرش را که ایران با هماهنگی امریکا به پایگاه او حمله کرده معرفی کند و گرنه باید به دهان شایعه‌سازان خاک پاشید. جای تأسف است که تلویزیون در هر کانالش یک برنامه به میهمانی چنین کارشناسی راه می‌اندازد.

گزیده خبر

توسط دبیر شورای عالی امنیت انجام شد

تسلیم پیام رهبر معظم انقلاب به پوتین

دبیر شورای عالی امنیت ملی در سفری یک روزه به مسکو با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دیدار و پیام رهبر معظم انقلاب را به وی تقدیم کرد.

به گزارش ایرنا، «علی لاریجانی» عصر پنج‌شنبه، در ملاقات با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی را به وی تقدیم کرد و درباره موضوعات دوجانبه و همکاری‌های اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی رایزنی کرد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان بامداد دیروز در بازگشت از روسیه به زیارت حرم مطهر امام رضا (ع) رفت و مضجع مبارک بارگاه ملکوتی آن حضرت را زیارت کرد.

یادداشت

تغییرات بنیادین در هندسه قدرت در غرب آسیا

سیدعبدالله متولیان

کارشناس سیاسی

در یک دهه اخیر آنچه به‌عنوان «خاورمیانه جدید» توسط امریکا و متحدانش با هزینه ۸ تریلیون دلاری طراحی شد، کم‌کم درهم شکسته می‌شود. پروژه‌هایی مثل پیمان ابراهیم، معامله قرن و طرح‌های نظامی پیش‌دستانه دیگر قادر نیستند تأثیر راهبردی و معنوی لازم را بر ملت‌ها داشته باشند. در عوض، نظمی تازه در حال شکل‌گیری است؛ نظمی مبتنی بر مقاومت، استقلال، گفتمان عدالت و قدرت مردمی، الگویی که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان طراح آن ظهور کرده است. در این باره تبیین چند محور ضروری است:

۱- شکست طرح امریکایی برای خاورمیانه جدید: پیش‌بینی رهبری در ۲۴ آبان ۱۳۹۸ در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی: «اگر خاورمیانه جدیدی بخواهد شکل بگیرد، بدون تردید خاورمیانه اسلامی خواهد بود، نه خاورمیانه امریکایی و صهیونیستی؛ و این خاورمیانه اسلامی با حذف کامل رژیم صهیونیستی شکل خواهد گرفت.» این پیش‌بینی، به‌رغم تلاش ائتلاف غربی- صهیونی، در حال تحقق است.

معامله قرن و پیمان ابراهیم که بر پایه عادی‌سازی روابط دولت‌های عربی با اسرائیل و تمرکز بر امنیت منطقه‌ای با محوریت تل‌آویو بنا شده بودند، با مقاومت مردمی و بازدارندگی گروه‌های مقاومت مواجه شدند؛ عادی‌سازی در برخی کشورها ادامه دارد اما مشروعیت داخلی و اثرگذاری راهبردی این توافق‌ها شدیداً زیر سؤال است. پروژه‌های امریکایی که می‌خواستند ایران را منزوی کنند یا نفوذ مقاومت را کاهش دهند، با هزینه‌های سنگین و بازدهی اندک همراه بوده‌اند.

۲- ظهور مؤلفه‌های هندسه قدرت و نظم جدید در غرب آسیا:

- تثبیت محور مقاومت (حزب‌الله انصارالله، حماس، حشدالشعبی و دیگر گروه‌های هم‌راستا با ایران) که نه فقط نظامی بلکه سیاسی و اقتصادی نیز عمل می‌کنند، شبکه‌هایی ساخته‌اند که با فشار و تحریم قابل حذف نیستند.
- افول هژمونی امریکا و ناکامی تمام پروژه‌های غربی
- تقویت دیپلماسی ترکیبی و چندقطبی منطقه‌ای با محوریت ایران
- الگوی اقتصاد مقاومتی و گسترش روابط اقتصادی با شرق و شمال‌شرق و ایجاد مسیرهای تجاری تازه.
- شکست راهبرد «بازی با ریسک بالا»ی رژیم صهیونی
- گسترش گفتمان مقاومت مبتنی بر عدالت و معنویت

۳- موانع و چالش‌ها فراروی نظم جدید

- فشارهای امنیتی و نظامی ائتلاف غربی- صهیونی بر محور مقاومت.
- ضعف در نهادسازی منطقه‌ای مستقل و مؤثر توسط ایران
- تفرقه داخلی و نبود اجماع در دیدگاه جریانات سیاسی کشور درباره راهبرد منطقه‌ای.
- چالش‌های اقتصادی، فشارها و تحریم‌های بین‌المللی و تلاش برای قطع خطوط اقتصادی مقاومت.
- رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نظیر ترکیه و عربستان با ایران و همسویی با ائتلاف غربی- صهیونی.
- ضعف آشکار ایران در روایت‌سازی، رسانه‌پردازی بین‌المللی و جنگ شناختی.

۴- الگو و راهبرد ایران در طراحی نظم مقاومت‌محور

- تدوین نقشه‌راه منطقه‌ای برای محور مقاومت.
- نهادسازی منطقه‌ای مستقل

ایجاد نهادهایی مانند «مجمع همکاری مقاومت»، «اتحادیه رسانه‌های ضد استکباری» یا «اتاق فکر راهبردی غرب آسیا».

- قدرت بازدارندگی چندلایه (ترکیب قدرت نظامی با شبکه‌های مردمی و مشارکت اجتماعی).
- تقویت روایت‌سازی رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی.
- توسعه دیپلماسی فعال و چندلایه با کشورهای اسلامی، نظیر عربستان، ترکیه، قطر، پاکستان و اندونزی.
- تقویت و توسعه توان بازدارندگی هوشمند و دفاع منطقه‌ای
- ارائه مدل‌های بومی توسعه و همکاری اقتصادی با طراحی مدل‌های اقتصادی مقاومتی، مانند «کریدور مقاومت»، «اتحادیه انرژی اسلامی» یا «صندوق توسعه غرب آسیا».
- اقتصاد مقاومتی و تنوع مسیرهای انرژی و گسترش همکاری با چین، روسیه و اوراسیا

بر این اساس می‌توان گفت برخلاف آنچه که رسانه‌ها تبلیغ می‌کنند، غرب آسیا در آستانه تولدی جدید است؛ تولدی که نه بر اراده قدرت‌های بیگانه، بلکه بر ایمان ملت‌ها، عدالت، مقاومت و عزت استوار است. خاورمیانه جدید امریکایی با محوریت سلطه و تسلیم در حال فروریختن و نظم مقاومت‌محور به‌سرعت در حال گسترش است. نقطه عطف این روند در حفظ و تقویت گفتمان عدالت، تقویت پایه‌های قدرت مردمی، استقلال اقتصادی و مدیریت روایت رسانه‌ای است. اگر این عناصر هم‌افزا شوند، ایران می‌تواند نه فقط یکی از عناصر نظم جدید بلکه معمار اصلی آن باشد. تحقق این چشم‌انداز در گرو «تقویت رسانه‌های انقلابی»، «توسعه سیاست‌های فرهنگی امیدمحور»، «گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای»، «اجماع‌سازی داخلی درباره راهبرد منطقه‌ای ایران» و «مدیریت هوشمند چالش‌ها و موانع» است.